

# تصویر کلان

## برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

رقم مذکور از ۳/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ به حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۷ افزایش خواهد یافت. با در نظر گرفتن صادرات غیر نفتی در حد ۱/۵ میلیارد دلار برای سالهای آینده، میزان ارز تخصیص یافته به سایر بخشهای اقتصادی از ۲/۳ در سال ۱۳۶۷ به ۵/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۷ افزایش خواهد یافت. این در حالی است که اقتصاد کشور با توجه به پیش بینی درآمدهای ارزی و حداقل مصارف ارزی در ادامه روند موجود همچون گذشته شاهد وجود کسری در تراز تجاری خواهد بود. همان طور که پیداست،

ارقام مذکور با در نظر گرفتن ادامه سیاستهای اقتصادی دولت برای آینده نمی تواند وضعیت مطلوبی را ترسیم کند.

### ● بخش دولتی، بودجه و نقدینگی

در چارچوب سیاستهای مالی دولت، عدم تعادل بین درآمدها و مخارج دولت از مهمترین ویژگیهای است که بودجه دولت در سالهای اخیر با آن روبه رو بوده است. مقدار کسری بودجه که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۶۵/۵ میلیارد ریال بوده است، در سال ۱۳۶۷ به ۲۱۴۶ میلیارد ریال رسید. این رقم بیش از ۵۰ درصد بودجه عمومی دولت در سال مذکور می باشد. اثرات رشد فزاینده کسری بودجه باعث شده که حجم نقدینگی به ۱۵۳۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش یابد که با توجه به روند کاهنده تولید، افزایش قیمتها را سبب شده است. در صورت ادامه روند موجود، میزان کسری بودجه در سال ۱۳۷۷ به ۳۶۰۰ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت و با توجه به افزایش حجم نقدینگی و کاهش تولید، قیمتها همچنان افزایش یافته، و باعث کاهش قدرت خرید اقشار محروم خواهد شد. نکته قابل توجه آن است که تورم ناشی از نحوه سیاستهای مالی دولت خود باعث کاهش قدرت خرید بودجه دولت شده و به علت عدم رشد بودجه دولت رشد تورم، از نتیجه آثار اقتصادی مثبت بودجه دولت در فعالیتهای اقتصادی بتدریج کاسته می گردد. این نکته را روند نزولی بودجه دولت به قیمت ثابت و همچنین بودجه سرانه به قیمت ثابت نشان می دهد.

بودجه سرانه دولت که در سال ۱۳۵۶ معادل ۴۳ هزار ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳ بود، در سال ۱۳۵۹ به ۲۵ هزار ریال و در سال ۱۳۶۷ به ۱۲/۴ هزار ریال کاهش یافته است. به عبارت دیگر، میزان هزینه ای که دولت در جهت ارائه کالاها و خدمات در طی سالهای ۱۳۵۶ - ۱۳۶۷ برای احاد جمعیت انجام داده است، به طور

مطلب حاضر مرکب از دو بخش «عملکرد گذشته اقتصاد کشور و تصویر ادامه روند موجود»، و همچنین «تصویر کلانی از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است که در کتاب «پیوست قانون برنامه اول» توسط مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه منتشر شده است. هر چند با گذشت نزدیک به یک سال و نیم از زمان اختصاص داده شده به اجرای برنامه (۷۲-۱۳۶۸) هنوز هم نمی توان از شتاب لازم برای اجرای آن مطمئن بود، اما صرف وجود برنامه در پایان دهه اول انقلاب، طی یک سال گذشته سبب امیدواری علاقمندان به آبادانی کشور و بهروزی مردمان آن بوده است. بی تردید، آگاهی بیشتر اقشار دخیل در تحولات اقتصادی اجتماعی کشور از تصویری که در صورت ادامه وضع موجود در برابر ما قرار دارد و همچنین مشاهده تصویر کلانی از آنچه برنامه اول در صورت تحقق در مقابل ما قرار می دهد، در به جنبش در آوردن اندیشه ها و بازوهای یک آحاد کشور که عامل اصلی در تحقق اهداف برنامه هستند، موثر است و از این رو «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» بازتاب هر چه بیشتر این دو تصویر را وظیفه ای به عهده خود می داند...

روزافزون جامعه را بیشتر خواهد کرد. نسبت سرمایه گذاری به محصول ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ معادل ۲۷/۴ درصد بوده، در سال ۱۳۶۷ به ۱۵ درصد کاهش یافته، و در سال ۱۳۷۷ معادل ۱۲ درصد برآورد می گردد.

تساخس هزینه سرانه مصرف خصوصی که به عنوان یکی از شاخصهای رفاه اجتماعی می تواند مورد استفاده قرار گیرد. از حدود ۵۳ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۳۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ و در ادامه روند موجود به ۱۹ هزار ریال به قیمت ثابت کاهش خواهد یافت که در ده سال آینده کاهشی معادل ۵/۶ درصد را نشان می دهد.

### ● درآمد ارزی و تراز پرداختها

درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت در اثر افت شدید نفت در سالهای اخیر از ۲۰/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ به حدود ۷/۳ میلیارد دلار در سال کاهش یافت. اگر سرمایه گذارهای لازم برای افزایش امکان صدور نفت انجام نگیرد، میزان صدور نفت در سالهای آینده کاهش یافته، و حتی با پیش بینی روند افزایش قیمت نفت، درآمد ارزی نفت در سال ۱۳۷۷ از ۱۱/۸ میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد و این در حالی است که ادامه وجود ناهماهنگی در بین کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) می تواند باعث سود که به علت وجود عرضه اضافی سطوح قیمت نفت همچنان پایین نگهداشته شود در این حالت، در چند سال آینده کشور با کمبود منابع ارزی مواجه خواهد شد. ترکیب هزینه های ارزی کشور در چند سال اخیر، بویژه در سالهای جنگ نشان می دهد که هزینه های ارزی دفاع و کالاهای اساسی و حساس عمده ترین اقلام بودجه ارزی کشور را تشکیل می داده است. اگر هزینه های دفاعی کشور برای سالهای آینده سالانه ۲/۵ میلیارد دلار فرض شود و هزینه های ارزی مربوط به کالاهای اساسی و حساس نیز سالانه فقط ۴ درصد رشد یابد،

## عملکرد گذشته اقتصاد کشور و تصویر ادامه روند موجود

روند وضعیت کلی اقتصاد کشور در سالهای اخیر به رغم تمام تلاش دولت در جهت بهبود فعالیتهای اقتصادی، روند نامطلوبی است. در زیر، عملکرد گذشته اقتصاد کشور و چشم انداز آن در صورت ادامه روندهای موجود در سالهای آتی جمع بندی شده است.

### ● محصول ملی و درآمد سرانه

محصول ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۹۲۲/۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۵۳ بود به سطح ۳۱۴۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته و در وضعیت ادامه روند موجود به ۲۷۵۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ تنزل خواهد نمود، که نشان دهنده کاهشی معادل ۱/۳ درصد در ده سال آینده است. با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت معادل ۳/۲ درصد، محصول ناخالص داخلی سرانه از ۱۱۴ هزار ریال به قیمت ثابت در سال ۱۳۵۶ به ۵۸/۹ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته، و در صورت ادامه روند موجود به ۳۷/۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ تنزل خواهد نمود. روند تولید سرانه با نرخ کاهنده ۴/۵ درصد در ده سال آینده در واقع نشان دهنده گسترش فقر عمومی است. ترکیب محصول ناخالص داخلی نیز از امکانات عمده ای است که باید بدان توجه شود. همچنین، در سالهای اخیر و در ادامه روند موجود، سهم عمده ای از تولید جامعه در بخشهای غیر مولد اقتصاد بوده، به طوری که سهم بخش خدمات در محصول داخلی به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

روند نزولی حجم سرمایه گذاری کشور در سالهای گذشته و در ادامه روند موجود از مهمترین مسائلی است که شکاف بین عرضه کالاها و خدمات و تقاضای

متوسط سالانه ۱۰/۷ درصد تنزل نموده است. در صورت ادامه روند موجود، بودجه سرانه دولت به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۷ معادل ۴/۷ هزار ریال برآورد می شود. از طرف دیگر، سهم بودجه کل کشور (دولت + شرکتهای دولتی) در محصول ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ معادل ۶۵ درصد بوده در سال ۱۳۶۷ به ۴۰/۷ درصد کاهش یافته است، شاخصهای اخیر نشان می دهد که به رغم گستردگی ابعاد وظایف دولت در اکثر بخشهای اقتصادی، اثرات مثبت فعالیتهای بخش عمومی بتدریج کاهش یافته است.

در حال حاضر، بخش عمومی تمام فعالیتهای مربوط به نفت خام و گاز طبیعی و زغال سنگ، برق، گاز، ارتباطات، موسسات مالی و بیمه، خدمات عمومی و دفاع را شامل شده و در سایر فعالیتها از قبیل صنعت، آب، خدمات اجتماعی، حمل و نقل سهم عمده ای را دارا میباشد. نکته قابل توجه در مورد صنعت این است که با توجه به آمار موجود سهم ارزش افزوده کارگاههای بخش عمومی به ارزش افزوده کل کارگاههای صنعت معادل ۷۳/۵ درصد، سهم اشتغال معادل ۷۲/۸ درصد و سهم سرمایه گذاری بخش عمومی در صنعت معادل ۶۵/۳ درصد برآورد می شود. بنابراین این پدیده است که در صورت تداوم تمام ابعاد وظایف دولت در بخشهای تولید، تجارت، توزیع و ارائه خدمات عمومی با توجه به افزایش جمعیت و نیز سطح عمومی قیمتها، روز به روز حوزه وظایف گسترده تر و منابع محدودتری می گردد. بنابراین، انتخاب حیطه مناسب وظایف به نحوی که با حداکثر منابع قابل حصول سازگار باشد، یکی از محورهای عمده در تدوین برنامه های آتی است.

### ● نیروی انسانی، اشتغال و بیکاری

عملکرد اقتصاد کشور در بعد نیروی انسانی و اشتغال نشان می دهد که در طی سالهای دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ جمعیت فعال سالانه معادل ۲/۷ درصد رشد داشته، به طوری که از ۹/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. در دهه مذکور، جمعیت شاغل با رشد متوسط سالانه ۱/۹ درصد از ۹/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ (با احتساب بیکاران فصلی) به حدود ۱۱ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ بالغ شده است. بدین ترتیب، نرخ بیکاری از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است که نشان دهنده عمیقتر شدن شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی کار میباشد. مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵، ترکیب اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی بترتیب در کشاورزی ۲۹ درصد، خدمات ۴۷/۹ درصد، صنعت و معدن ۱۳ درصد، ساختمان ۱۱/۱ درصد، آب و برق و گاز ۸/۰ درصد را شامل شده است. مقایسه ترکیب اشتغال در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ نشان می دهد که طی دهه مذکور، ۱۱۷ هزار نفر در بخش کشاورزی و ۲۷۸ هزار نفر در بخش صنعت و معدن اشتغال خود را از دست داده اند. در حالی که در بخش آب و برق و گاز برای ۲۹/۳ هزار نفر، در بخش ساختمان برای ۱۸ هزار نفر، در بخش خدمات برای ۱۹۵۰ هزار نفر و در مشاغل غیر قابل طبقه بندی و نامشخص برای تقریباً حدود ۲۵۸ هزار نفر شغل جدید ایجاد شده است.

بنابراین به طور کلی در دوره دهساله ۶۵-۱۳۵۵، خالص مشاغل ایجاد شده در تمام بخشهای اقتصادی تقریباً معادل ۱۹۰۰ هزار شغل و به عبارت دیگر سالانه به طور متوسط معادل ۱۹۰ هزار شغل

بوده است و این درحالی است که عرضه سالانه نیروی کار در همین دوره به طور متوسط در حدود ۳۰۲ هزار نفر بوده است. بهره وری نیروی کار تحت تاثیر حجم فعالیتهای اقتصادی در مقطع مذکور، بویژه رکود سالهای اخیر، سالانه به طور متوسط ۳/۳ درصد کاهش داشته است.

● **گرایشهای مسلط بر سازمان فضایی کشور**  
نگاهی به توزیع فعالیتهای اقتصادی و تولیدی در پهنه سرزمین و نظری بر استقرار جمعیت در فضای ملی جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که امکانات و قابلیتهای کشور از پراکنشی بهینه و همگن برخوردار نیستند. ناهمگنی سازمان فضایی کشور هم از عوامل طبیعی و هم از ناموزونی استقرار فعالیتهای ناشی شده است.

### الف) توزیع منطقه ای جمعیت

اگر کشور را در پنج منطقه شرقی (شامل استانهای خراسان، کرمان، یزد، هرمزگان، سیستان و بلوچستان)، غربی (شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، لرستان، همدان، باختران، خوزستان)، جنوبی (شامل استانهای فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد)، مرکزی (شامل استانهای مرکزی، تهران، سمنان، زنجان، چهار محال بختیاری، اصفهان) و شمالی (شامل استانهای گیلان و مازندران) مورد بررسی قرار دهیم، از نظر توزیع جمعیت، منطقه شرقی با وجود برخورداری از ۴۹/۸ درصد مساحت دارای ۱۹ درصد جمعیت، منطقه مرکزی با ۱۸/۸ درصد مساحت دارای ۳۱/۸ درصد جمعیت، منطقه غربی با ۱۷/۶ درصد مساحت، ۲۹/۵ درصد جمعیت، منطقه شمالی با ۳/۸ درصد مساحت، دارای ۱۱/۱ درصد جمعیت و منطقه جنوبی با ۱۰/۱ درصد مساحت دارای ۸/۵ درصد جمعیت کل کشور می باشند.

به طوری که ملاحظه می شود، تراکم جمعیت در نیمه غربی کشور از امکانات طبیعی مساعد و تمرکز فعالیتهای اقتصادی در این بخش از کشور توأماً سرچشمه گرفته است، به عبارت دیگر، اهداف توسعه و رشد در گذشته عمدتاً از توجه و تمرکز سرمایه گذاری در نقاط مستعد و زودبازد نشئت یافته اند و این گونه هدفگذاری در روند توسعه کشور، لاجرم سرمایه ها و فعالیتهای کلیدی را به سوی مراکز پر جمعیت و مساعد از نظر طبیعی سوق داده است. به این ترتیب، حاشیه شرقی و نواحی شرق مرکزی سرزمین به واسطه تنگناهای اقلیمی و طبیعی همچنان در سازمان فضایی توسعه کشور، کم تراکم و حاشیه ای باقی مانده اند.

بررسیهای انجام شده مؤید آن است که تنها ۱۶/۵ درصد از جمعیت شهری کشور در محور شرق سکونت دارند و از مجموع ۱۶ شهر بزرگ کشور فقط سه شهر در شرق کشور قرار دارند، بدین معنی که سهم جمعیت منطقه شرقی از جمعیت شهرهای بزرگ کشور ۱۴/۱ درصد می باشد، درحالی که منطقه مرکزی با ۱۸/۸ درصد مساحت کل کشور (استانهای مرکزی، تهران، سمنان و زنجان، چهار محال و بختیاری، اصفهان) سهمی معادل ۵۷ درصد از جمعیت شهرهای بزرگ کشور را داراست.

### ب) توزیع منطقه ای فعالیت

تمرکز فعالیتهای عمده و کلیدی در درون و بیرون کانونهای جاذب جمعیت (نیمه غربی کشور) به پیدایش فضاهای ممتاز و قطبهای جمعیتی انجامیده و ادامه این روند موجب تمرکزهای عمده فعالیت و جمعیتی در چند شهر بزرگ کشور شده است. بر پایه آخرین بررسیهای به عمل آمده، ۶۳/۷ درصد ارزش

افزوده کل کارگاههای بزرگ صنعتی به استانهای تهران، اصفهان و زنجان اختصاص دارد و از این مجموعه، ۴۲/۶ درصد مربوط به استان تهران است. همچنین ۶۰/۲ درصد شاغلان کارگاههای بزرگ صنعتی در استانهای تهران، اصفهان و زنجان استقرار یافته اند؛ در حدود ۴۰ درصد این رقم در استان تهران اشتغال دارند.

### ج) عدم تعادل های درون منطقه ای

علاوه بر عدم تعادل و ناهمگنی در فضای کلی توسعه سرزمین، در درون مناطق نیز سازمان فضایی توسعه فاقد یکپارچگی و توازن درون منطقه ای است. از این رو، رجحان اداری برخی از شهرها در داخل مناطق به دلیل مرکزیت اداری و سیاسی، عدم تعادل های درون منطقه ای را دامن زده و از یک سو فضاهای حاشیه ای در داخل مناطق را توسعه داده است و از سوی دیگر مراکز شهری پرجمعیتی را به وجود آورده که از عملکردی عمدتاً خدماتی - نه مولد - برخوردارند.

### د) عدم تعادل های شهری و روستایی

اختلاف فاحش بین کانونهای زیستی شهری و روستایی، هم در کل پهنه سرزمین و هم در درون مناطق، باید به تمام عدم تعادل های گفته شده افزوده شود تا تصویر کاملی از عدم تعادل قابلیتها، امکانات، مراکز مسکونی، و پایگاههای فعالیت و خدمات در سازمان فضایی توسعه کشور به دست آید.

### خلاصه

به طور کلی، عملکرد گذشته اقتصاد و همچنین ادامه روند موجود وضعیت مطلوبی را ترسیم نمی کند. از نظر تحلیل مسائل کلان اقتصاد کشور، وجود عدم تعادل های اقتصادی و همچنین چگونگی تخصیص منابع به بخشهای مختلف اقتصادی از مهمترین مسائلی است که باید در تدوین برنامه توسعه برای سالهای آینده و تنظیم سیاستها و خط مشی ها به آنها پرداخته شود. وجود شکاف بین درآمدها و هزینه های دولت (کسری بودجه) به علت عدم امکان افزایش درآمدها و حجم گسترده وظایف دولت، وجود شکاف بین عرضه و تقاضای پول (عدم تعادل پولی) به علت روند فزاینده حجم نقدینگی تحت تاثیر سیاستهای مالی دولت و همچنین رکود در بخشهای مختلف اقتصادی، وجود شکاف بین سرمایه گذاری و پس انداز (عدم تعادل مالی) به علت افزایش پس انداز ملی و به کارگیری آن در فعالیتهای غیر مولد تجاری و خدماتی و نبودن مکانیزمهای تشویق و هدایت منابع عاطل جامعه به سمت تولید و سرمایه گذاری، وجود شکاف بین واردات و صادرات (عدم تعادل در موازنه پرداختها) به علت آسیب پذیر بودن درآمد ارزی نفت و عدم توسعه صادرات غیر نفتی و همچنین غیر واقعی بودن نرخ برابری ریال، وجود بیکاری به مثابه عدم تعادل در بازار نیروی کار به علت کاهش حجم فعالیتهای اقتصادی و عدم توسعه فعالیتهای جدید و رشد فزاینده جمعیت و ویژگی ساختمان جوان جمعیت، همه عوامل مهمی هستند که اگر در چارچوب مجموعه سازگار اهداف و خط مشی های مشخص يك برنامه به آنها پرداخته نشود، در سالهای آینده بحرانهایی جدی را برای اقتصاد کشور در پی خواهند داشت.

## ۲. سیاستها و ویژگیهای اقتصادی کشور

ویژگیها و عوامل عمده ای که منجر به عملکردهای اقتصادی گذشته شدند، به شرح زیرند:

جنگ تحمیلی یکی از مهمترین ویژگیهای حیات اقتصادی کشور در این دوره است. تخریب بخشی از

ذخایر سرمایه‌ای کشور، عدم سرمایه‌گذاری‌های جایگزین، به کارگیری بخشی از عوامل تولید در خدمت جنگ، صرف بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی کشور در جهت تأمین هزینه‌های دفاعی، تخصیص سهمی از بودجه دولت به تأمین هزینه ناشی از جنگ تحمیلی، و قرار گرفتن بخشی از مدیریت و نیروی انسانی کشور در خدمت جنگ از عوامل مهمی هستند که کشور برای حفظ آرمانها و ارزشهای اصیل انقلاب اسلامی خود متحمل گشت.

افت شدید درآمدهای ارزی کشور در اثر نوسانات قیمت نفت و ویژگی دوم دوره اخیر است. اقتصاد کشور با ساختی وابسته به درآمد نفت بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد و در این شرایط به علت ارتباط ارگانیک تولیدات و سرمایه‌گذاری داخلی با واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که تنها از طریق صادرات نفت تأمین می‌شود، هرگونه کاهش در تولید ارز نفت منجر به کاهش در سطوح فعالیتهای مولد اقتصادی خواهد شد. تاکنون در زمینه تغییر ساختار موجود تلاش جدی انجام نگرفته، و در نتیجه در سالهای اخیر که کشور با کاهش درآمد ارزی مواجه بوده است، بخش عمده‌ای از ظرفیتهای موجود در بخشهای مولد اقتصادی عاطل و بی‌استفاده مانده است. در حالی که فعالیتهای غیر مولد اقتصادی چون بخشهای بازرگانی، توزیع و واسطه‌گری و... به علت افزایش سودآوری رشد، فزاینده‌ای داشته است. بنابراین، یکی از نتایج قطعی چنین ساختاری در صورت هرگونه تزلزل در ارتباط تولید داخلی با مواد واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارجی به علت عدم تنوع منابع ارزی و یا منابع جایگزین داخلی، کاهش تولید و جایگزین شدن فعالیتهای تجاری به جای فعالیتهای تولیدی است. نبود یک برنامه مشخص برای مدیریت اقتصاد، یکی دیگر از ویژگیهای حیات اقتصادی کشور می‌باشد. در گذشته، تلاشهای فراوانی در این زمینه از طرف دولت صورت پذیرفت ولی هیچ یک به عمل و اجرا نینجامید، بویژه آنکه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور نیز به تصویب نرسید.

در سالهای اخیر، خط‌مشی‌های روشن و مشخص، بجز چند مورد، برای اداره اقتصاد کشور به کار گرفته نشد و در نتیجه فعالیتهای بخشهای مختلف اقتصادی به تبع وضعیت عواملی چون جنگ و درآمد نفت به نوعی شکل گرفت که عرضه فعالیتهای دولت به علت کمبود منابع و امکانات در بخشهای مولد کمتر شده و فعالیتهای بخش غیردولتی نیز به علت عدم هدایت صحیح، در بخشهای غیرمولد بیشتر متمرکز گشت، در نتیجه، اقتصاد در حال رکود به طور طبیعی اثر خود را حتی در بخشی از سرنوشت جنگ نیز نشان داد.

عدم تبیین سازماندهی اقتصاد از نظر تعیین حدود و ابعاد وظایف بخشهای دولتی و غیردولتی مشخصه چهارم اقتصاد کشور است. در ابهام ماندن تعریف نهادهای مختلف اقتصاد و همچنین حدود و ابعاد و وظایف آنها جز مشکلاتی برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور نتیجه‌ای نخواهد داشت. وضعیت کنونی اقتصاد به گونه‌ای است که به علت افزایش مخارج دولت، حجم نقدینگی نامتناسب با حجم فعالیتهای اقتصادی بشدت رشد یافته و از طرفی به علت متمرکز بودن توزیع درآمد بویژه در شرایط تورمی و اثرات باز توزیعی آن، درآمد حاصله از قشر محروم بویژه اقشاری که درآمد آنان از حقوق و دستمزد تأمین

می‌گردد، به سمت سایر گروههای درآمدی جاری گشته است، زیرا در شرایط رکود همراه با تورم، درآمد اقشاری که از طریق حقوق و دستمزد زنده سود سرمایه تأمین می‌گردد کاهش یافته، و هزینه آنان در اثر رشد فزاینده قیمتتها افزایش می‌یابد. در سالهای آینده، منابع و امکانات دولت پاسخگوی نیازهای جامعه نبوده، و هزینه‌های واقعی دولت بتدریج کاهش خواهد یافت بنابراین، سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان از منابع موجود بخش غیردولتی در جهت ایجاد فعالیتهای مولد اقتصادی سود جست. در حال حاضر، به کار گرفته نشدن منابع عاطل مانده جامعه در فعالیتهای تولیدی باعث رشد سرمایه‌های هنگفت در دست اقشاری خاص و نابرابری شدید درآمد در گروههای درآمدی مختلف جامعه شده است. زیرا اگر امکان به کارگیری سرمایه در فعالیتهای تولیدی هر دلیلی وجود نداشته باشد، همان طور که عملکرد نشان می‌دهد، سرمایه‌های سرگردان در بخشهای خدماتی و تجاری به کار گرفته شده و باعث رشد ناهمگون بخشهای اقتصادی خواهد شد. از طرف دیگر، به علت ضعف نظام مالیاتی کشور، در بخشهای مذکور امکان نظارت و کنترل دولت از طریق اعمال سیاستهای مالیاتی که یکی از مؤثرترین ابزارهای باز توزیع درآمد به شمار می‌آید، چندان نیست. بنابراین، بی‌اعتنا بودن به فعالیتهای بخش غیردولتی، در آینده وضع را از آنچه که هست وخیمتر خواهد نمود و لذا باید با بهره‌جستن از ابزارهای پولی و مالی و شناخت مبانی رفتاری بخشهای غیردولتی نقش و جایگاه این بخشها را به روشنی تبیین نموده و آنها را در جهت حل مشکلات کشور فعال نمود. به عبارت دیگر، نمی‌توان صرفاً با بیان اینکه بخش غیردولتی باید در فعالیتهای مولد مشارکت جوید، سرنوشت سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی را تعیین شده دانست، بلکه در تمام بخشهای اقتصادی به تشخیص دولت باید موانع سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی برداشته شده و امکان سودآوری متناسب سرمایه فراهم شود. تنها از این طریق می‌توان به منابع عاطل جامعه جهت بخشید و چرخهای تولید را با توجه به کمبود منابع و امکانات دولت به راه انداخت. در این حالت امکان کنترل و هدایت و نظارت دولت بر فعالیتهای تولیدی بخش مذکور با اتخاذ سیاستهای مالیاتی مناسب افزایش خواهد یافت و به علت افزایش سطح تولید میزان درآمد و اشتغال ایجاد شده در جامعه فزونی یافته و از این طریق سطح عمومی رفاه اجتماعی بالا خواهد رفت. در این راستا، مهم این است که اصلاح توزیع غلط درآمد جامعه باید به عنوان یکی از خطوط اساسی در متن حرکت آتی اقتصاد مطرح باشد هرچند که سیاستهای اصلاح توزیع درآمد در کوتاه مدت ممکن است که رفاه نسبی در قشر محروم ایجاد کند ولی در بلند مدت تا درآمد ملی افزایش نیابد، سطح عمومی رفاه اجتماعی ارتقا نخواهد یافت. بنابراین، رشد رفاه اجتماعی در گرو رشد ملی و توزیع عادلانه آن می‌باشد.

از طرف دیگر، افزایش رشد اقتصادی غیراز افزایش درآمد سرانه از جنبه‌های دیگری چون کاهش تورم، افزایش اشتغال، افزایش بهره‌وری نیروی کار، بهبود شاخص تغذیه و... در کاهش محرومیت جامعه مؤثر خواهد بود. بنابراین، در ابتدای مراحل توسعه اقتصادی کشور باید توجه داشت که توزیع درآمد هر اندازه هم که عادلانه تنظیم شده باشد، اگر رشدی در درآمد کل جامعه اتفاق نیفتد، غیراز گسترش عمومی فقر و محرومیت در جامعه نتیجه‌ای نخواهد داشت.

برعکس اگر درآمد ملی رشد یابد همراه با سیاستهای توزیع مجدد درآمد، از جمله سیاستهای مالیاتی، می‌توان همراه با افزایش سطح عمومی رفاه اجتماعی، توزیع رشد را در بین اقشار مختلف جامعه منطقی کرد.

وجود نظام اداری ناکارای یکی دیگر از مسائل و موانع ایجاد کارایی در مدیریت اقتصادی کشور می‌باشد. نظام اداری در دو جنبه تشکیلات و سازماندهی و همچنین روشها و نحوه گردش کار به طراحیهای اساسی نیازمند است. بنابراین، دگرگونی در نظام پربیع و خم اداری کشور و ایجاد تشکیلات نوین اداری متناسب با اهداف و وظایف حکومت جمهوری اسلامی در جهت افزایش کارایی و پایه ریزی نظام نظارتی با پیش بینی ضمانتهای اجرایی کشور و حذف تشکیلات غیرضروری و جلوگیری از تورم کارمندی و دوباره کاریها، از اقدامات مهمی است که در راستای اصلاح نظام اداری کشور باید انجام گیرد. وجود نظام پرداخت‌های چندگانه حتی در چارچوب دولت باعث کاهش تعداد کارکنان متخصص در فعالیتهای کارشناسی دولت و جذب آنان به بخشهای غیردولتی شده است. امکان نظارت و سیاستگذاری در مورد مجموعه فعالیتهای کشور در بخشهای مختلف به علت کادر کارشناسی ضعیف دولتی در سالهای گذشته بتدریج کاهش یافته، و در صورت ادامه روند موجود کمتر نیز خواهد شد.

گسترده شدن ابعاد مسائل اجتماعی و فرهنگی از دیگر مشکلات کشور و از جمله آثار بلاتردید افزایش جمعیت کشور در سالهای اخیر است. این مسائل، بویژه با توجه به ساختار جوان جمعیت کشور، عمدتاً در قشر جوان و نوجوان به صورت افزایش ناسازگارهای اجتماعی و استفاده از مواد مخدر بروز می‌کند. رشد سریع جمعیت لازم‌التعلیم و عدم امکان افزایش فضاهای آموزشی و تسهیلات متناسب با آن، عدم ایجاد اشتغال مولد و نبود وسایل و امکانات متناسب برای گذران سالم اوقات فراغت جوانان از عوامل عمده ایجاد چنین شرایطی است.

عدم تعادل بین امکانات فیزیکی آموزش، تعداد معلمان، دبیران و اساتید و تعداد مداوماً فزاینده دانش‌آموزان و دانشجویان عملاً منجر به کاهش کیفیت آموزشی در کلیه سطوح اعم از عمومی و عالی شده است. کاهش کیفیت بویژه در سطوح عالی به دنبال پذیرش دانشجویان بیش از حد ظرفیتهای موجود، اعمال سهمیه بندی‌های مختلف در پذیرش و گسترشهای بی‌رویه قبل از تأمین اساتید مورد نیاز و بدون توجه به نیازهای تخصصی جامعه، صورت گرفته است.

وجود پدیده بیکاری در جامعه و گسترش ابعاد آن در سالهای اخیر مشکل اجتماعی دیگری است که نه تنها آثار منفی اقتصادی داشته بلکه اثرات اجتماعی آن نظیر افزایش جرایم نیز مشهود است. وجود بیکاری در بین بخشی از نیروی انسانی فعال جامعه حتی در بین افراد متخصص و دارای آموزش عالی (حدود ۶ در صد در سال ۱۳۶۵) قابل تأمل است و رفع آن در برنامه آینده مورد توجه است.

سیاستگذاریهای اقتصادی که به صورت مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی کشور قرار دارد، یکی دیگر از مسائل عمده اقتصادی کشور است. از طرف سالهای گذشته، بویژه به دلیل وجود شرایط جنگی و تحت فشار قرار گرفتن اقشار آسیب‌پذیر جامعه، سیاستهای اقتصادی عمدتاً به گونه‌ای تنظیم شده است که مصرف ارزاتر را امکان‌پذیر سازد که

این خود با توجه به وجود شرایط تورمی و در نتیجه افزایش هزینه تولید و نیز کمبود شدید منابع و در نتیجه کاهش یا عدم سرمایه گذاری در بسیاری از زمینه ها و نیز تداوم طولانی مدت این سیاستها تولید داخلی را به شدت تحت فشار قرار داده است. در شرایط حاضر، بخشهای تولیدی و اساسی جامعه با یک تعارض بسیار اساسی مواجهند: از یک طرف، وجود تقاضای بسیار زیاد در جامعه و در نتیجه بازار تضمین شده، و از طرف دیگر ظرفیتهای خالی بدون استفاده ای که روز به روز بیشتر مستهک شده و به لحاظ تکنولوژی در حال منسوخ شدن هستند. تداوم سیاست عرضه ارزان کالاها، و خدمات که با نیت حمایت از اقشار محروم و مستضعف پیگیری می شد از یک سو نه تنها هیچ گونه مازاد تولیدی برای توسعه ظرفیتهای به جا نگذاشته بلکه بعضاً جبران استهلاک را نیز مشکل کرده است، و از سوی دیگر تحلیل رفتن بنیه مالی این بنگاهها و عدم امکان نگهداری حجم نامتناسب کارکنان و کارگران در مقایسه با سطح پایین تولید، کشور را در معرض خطر بیکار شدن خیل عظیمی از نیروهای قرار داده است که روزی در امر راه اندازی چرخهای تولید کشور نقش داشته اند و در حال حاضر و در شرایط تورمی متکفل تامین مخارج خانوارهای عمدتاً پرجمعیت خود هستند. بنابراین، در شرایطی که تقاضای جامعه با توجه به رشد سریع حجم نقدینگی و نیز جمعیت کشور در حال افزایش است، شیاستهای قیمت گذاری یکی از عوامل عمده مؤثر بر کاهش و یا عدم افزایش متناسب تولید داخلی است و در چنین شرایطی است

که ارز ارزان به عنوان راه حل نهایی هر مشکلی خود را نمایان می سازد. در چارچوب اقتصاد ایران نتایج و اثرات تغییرات نرخ ارز بر بخشهای اقتصادی، بویژه بخش تجارت و بودجه دولت به علت تثبیت ارزش نسبی آن در گذشته بروشنی مشخص نبوده، و در حال حاضر رابطه بین قیمت ارز و نرخ رسمی موجود به هیچ وجه گویای واقعیت نیست. مشکلاتی ناشی از این ارتباط غیر منطقی باعث شده است که مبادلات ارزی حتی در بین دستگاههای اجرایی کشور بتدریج گسترش یابد. وقتی که نرخ ارز مقدار واقعی خود را دارا نباشد، درآمدها و هزینه های انجام شده در اقتصاد، بویژه هزینه های وارداتی، مخارج دولت، درآمدهای حاصل از صادرات و از طرف دیگر قیمتتهای مورد مبادله، هیچ کدام واقعی نیستند. هرگاه قیمتتهای از عوامل مهم تخصیص منابع به شمار می آیند واقعی نباشند، بسیاری از تصمیم گیریهای اقتصادی در عرصه تولید و تجارت و بودجه دولت و... را تحت تاثیر قرار می دهد.

همان طور که قبلاً طرح شد، در کل پهنه سرزمین عدم تعادلهای منطقه ای مشهود است. از آنجا که سازماندهی فضایی اقتصاد کشور باید بر اساس اهداف و خط مشی های کلی جمهوری اسلامی ایران باشد. با توجه به خط مشی حداکثر بهره برداری از ظرفیتهای موجود اقتصادی سرزمین توصیه می شود که سرمایه گذاری برای ایجاد ظرفیتهای تولیدی در مناطق مجهز به امکانات زیربنایی مناسب انجام شود. از سوی دیگر، پیشبرد این خط مشی موجب تشدید

عدم تعادلهای منطقه ای و افزایش فاصله بین مناطق از نظر سطح توسعه خواهد شد. بنابراین، باید به موازات این سیاست از طریق ایجاد ظرفیتهای زیربنایی برای تجهیز گزیده ای از کانونهای توسعه در مناطق محروم و عقب مانده، در راستای اصلاح ساختار فضایی توسعه کشور و در چارچوب برنامه های خاص منطقه ای اقدام شود.

با توجه به مشکلات و محدودیتهای یاد شده، ضرورت برخورد عمیق و اصولی با آینده مسائل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور مشخص می شود. در این برخورد، تلاش می شود که امکانات عمده ای را که می تواند در جهت تخفیف و یا حل مشکلات مؤثر افتد شناسایی گردد و مکانیزمهای مناسب تصمیم گیری در تدوین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور طراحی شود. ولی آنچه که باید عمدتاً به عنوان محور اصلی برنامه پنجساله توسعه آینده بویژه در ابعاد اقتصادی قرار گیرد، راه اندازی چرخهای تولید در جهت افزایش و تحکیم بنیه اقتصادی جامعه است.

در بخش بعد، اهداف و خط مشی های کلی و بلند مدت جمهوری اسلامی ایران که منبعث از قانون اساسی کشور بوده و با توجه به شرایط ویژه و مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی کشور طراحی و تنظیم شده است، بستر کلی حرکت را در زمینه های مختلف مشخص می کند: اهداف و خط مشی های برنامه اول توسعه کشور در چارچوب این بستر کلی مشخص شده است.

## تصویر کلان برنامه

### ۱. رشد اقتصادی و تحولات ساختار اقتصادی

با توجه به اهداف و خط مشی های برنامه اول توسعه، اهداف کمی کلان و جهت گیریهای بخشهای مختلف اقتصادی در برنامه اول پنجساله (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) در چارچوب امکانات و منابع این برنامه به شرح ذیل می باشد.

#### ۱-۱. تولید ناخالص داخلی

رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۶۷ سالانه به طور متوسط معادل ۸/۱ درصد خواهد بود. دلیل افزایش رشد تولید در پنجساله اول وجود ظرفیتهای بلااستفاده است که استفاده حداکثر از آن به عنوان یکی از محورهای اساسی برنامه در نظر گرفته شده است لذا پیش بینی می شود که با عدم گسترش سرمایه گذاریهای جدید در برنامه اول و اتمام سرمایه گذاری های نیمه تمامی که پس از اتمام، تامین منابع ارزی جدید از طریق توسعه صادرات و یا جایگزینی واردات را به همراه خواهند داشت و همچنین استفاده از ظرفیتهای موجود رشد اقتصادی پیش بینی شده حاصل آید. تولید ناخالص داخلی بدون نفت در برنامه سالانه به طور متوسط رشدی معادل ۷/۹ درصد خواهد داشت. با توجه به میزان نرخ رشد جمعیت رشد تولید سرانه به طور متوسط سالانه معادل ۴/۹ درصد برآورد می گردد.

در چارچوب رشد اقتصادی مورد پیش بینی، رشد سالانه بخشهای مختلف در مقاطع ۷۲-۱۳۶۸ به ترتیب کشاورزی ۶/۱ درصد، بخش نفت ۸/۷ درصد، بخش صنعت ۱۴/۲ درصد، بخش معدن ۱۹/۵ درصد، بخش آب و برق و گاز ۹/۱ درصد، بخش ساختمان

۱۴/۵ درصد و بخش خدمات ۶/۷ درصد برآورد گردیده است. رشد تولید مورد نظر بخش کشاورزی با توجه به میزان تقاضا برای محصولات غذایی کشاورزی این امکان را فراهم خواهد ساخت تا در ده سال آتی شکاف بین تولید و مصرف محصولات کشاورزی بتدریج گامته شود. طبیعی است که زمینه های تحقق این هدف از برنامه اول خواهد شد. در رشد بخش صنعت تأکید عمده بر توسعه صنایع سرمایه ای و واسطه ای از طریق تکمیل پروژه های نیمه تمام در چارچوب اولویتهای برنامه بخش صنعت می باشد. در این راستا رشد صنایع سرمایه ای معادل ۲۴ درصد، صنایع واسطه ای معادل ۲۰ درصد و رشد صنایع مصرفی معادل ۴/۲ درصد پیش بینی می شود. ترکیب رشد بخش صنعت این امکان را خواهد داد تا سهم ارزش افزوده صنایع سرمایه ای در کل ارزش افزوده صنعت از ۵/۶ درصد به ۸/۵ درصد افزایش، سهم صنایع واسطه ای از ۴۹/۴ درصد به ۶۳ درصد افزایش و سهم صنایع مصرفی از ۴۵ درصد به ۲۸/۵ درصد کاهش یابد. اولویت در توسعه صنایع سرمایه ای و واسطه ای یا فعالیتهایی خواهد بود که امکان جایگزینی کالاها را وارداتی کشور را فراهم می کند. در نتیجه تلاش خواهد شد تا با تقویت بنیه های تولید داخلی وابستگی تولید به مواد و کالاها و واسطه ای خارجی کاهش یابد. رشد بخش معدن با توجه به استفاده حداکثر از ظرفیتهای معدنی کشور در جهت توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین ایجاد ارتباط منطقی با فعالیتهای بخش صنعت تعیین شده است. رشد حاصله در بخش نفت به علت انجام سرمایه گذاریهای لازم جهت افزایش امکان صدور نفت و همچنین افزایش تولید فرآورده های نفتی

صورت خواهد پذیرفت. اهداف مربوط به بخش آب و برق و گاز با توجه به ارتباط متقابل رشد این بخش با سایر بخشهای اقتصادی بخصوص کشاورزی و صنعت و همچنین تامین نیازهای مصرفی کشور تعیین گردیده است. رشد بخش خدمات با تأکید بر رشد زیر بخش حمل و نقل و همچنین زیر بخشهای مهم مربوط به خدمات اجتماعی چون آموزش و پرورش، آموزش عالی، آموزش فنی و حرفه ای، بهداشت و درمان و بهزیستی و تامین اجتماعی و کنترل رشد زیر بخش بازرگانی هدف گذاری شده است. نکته مهم آنکه رشد، بالای جمعیت و افزایش روزافزون نیازهای جمعیتی رشد بخش خدمات را سبب شده که این مسئله، تجدید ساختار تولید ناخالص داخلی در چارچوب اقتصاد ملی کشور را با مشکل مواجه ساخته است. افزایش تعداد دانشجویان تا سطوح ۷۷۷ نفر دانشجوی کارشناسی به بالا درصد هزار نفر جمعیت، تحت پوشش قرار گرفتن ۱۷/۸ میلیون نفر دانش آموز، افزایش تعداد تختهای بیمارستانی از ۷۷۰۰۰ به ۹۳۰۰۰ تخت، تحت پوشش قرار گرفتن ۶۳۱۲ هزار نفر در برنامه های مختلف بهزیستی، افزایش نسبت بیمه شدگان اصلی کشور به کل مزد و حقوق بگیران از ۷۲ درصد به ۷۷ درصد از جمله اهداف کمی زیر بخشهای مختلف بخش خدمات در سال پایانی برنامه می باشد.

در تعیین رشد بخش ساختمان فرض بر این بوده است که واحدهای مسکونی خسارت دیده در طی سالهای جنگ تعمیلی در چارچوب سیاستهای بازسازی کشور بازسازی شده و روند ساخت مسکن نیز در طی سالهای مذکور جهت پاسخگویی به نیاز جامعه بهبود یابد. در این راستا در طی برنامه پنجساله

حدود ۲۰۴ میلیون متر مربع ساخت زیر بنای مسکونی در نظر گرفته شده است.

سهم ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۲ به ترتیب بخش کشاورزی معادل ۲۱ درصد، بخش صنعت و معدن معادل ۹/۶ درصد بخش نفت معادل ۹/۸ درصد، بخش آب و برق و گاز معادل ۲/۸ درصد بخش خدمات معادل ۵۰ درصد و بخش ساختمان معادل ۷/۲ درصد پیش بینی شده است. از ویژگیهای عمده ترکیب تولید ناخالص داخلی به سهم عمده بخش کشاورزی در کل تولید کشور می توان اشاره نمود.

## ۲-۱. سرمایه گذاری و مصرف

منابع سرمایه گذاری مورد نیاز برنامه جهت تحقق اهداف کمی کلان برنامه پنجساله معادل ۲۶۴۵۲ میلیارد ریال به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۷ برآورد می گردد. رشد سرمایه گذاری به قیمت ثابت سالانه به طور متوسط معادل ۱۱/۶ درصد خواهد شد.

با توجه به اهداف کمی بخشهای مختلف اقتصادی سهم سرمایه گذاری مورد نیاز بخش کشاورزی در کل سرمایه گذاری برنامه پنجساله معادل ۹/۸ درصد بخش نفت و گاز ۶/۶ درصد، صنعت و معدن ۸/۵ درصد، آب و برق ۹/۲ درصد، ساختمان ۳۳/۲ درصد و بخش خدمات معادل ۳۲/۷ درصد پیش بینی می شود.

نسبت سرمایه گذاری کل به تولید ناخالص داخلی که در سالهای اخیر بشدت افت کرده است از ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت. طی برنامه سهم سرمایه گذاری بخش غیر دولتی در کل سرمایه گذاری معادل ۵۲/۸ درصد برآورد می شود.

### ● مصرف

تجربه و تئوری هر دو نشان می دهد تا بنیه های داخلی تولید جهت پاسخگویی به تقاضا رشد نیابد افزایش مصرف جز از طریق افزایش واردات مصرفی تامین نشده و در صورت بروز تنگنایهای ارزی چون سالهای اخیر باعث افزایش قیمت های می شود. بنابراین مصرف و ایجاد تقاضا وقتی می تواند محرك رشد و توسعه در کشور باشد که تولید وابسته نباشد و یا در صورت وابسته بودن، شکاف تجارت (صادرات منهای واردات) محدودیت الزام آوری در تصمیم گیری اقتصادی بشمار نیابد. به طور کلی جامعه در روند توسعه و حرکت به سوی يك وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصادی - اجتماعی باید از دوران انتقالی گذر کند. این دوران نیازمند به تلاش و جدیت بیشتر و احتراز از مصرف گرایی در جهت تامین منابع سرمایه گذاری است.

در ده سال گذشته کل هزینه های مصرفی جامعه (مصرف خصوصی + مصرف دولتی) به طور متوسط سالانه ۲ درصد تنزل نموده است. ترکیب هزینه های مصرفی در مقطع (۶۷-۱۳۵۶) نشان می دهد که هزینه مصرف خصوصی سالانه ۱/۲ درصد و هزینه مصرف دولتی معادل ۳/۸ درصد کاهش یافته است. هزینه مصرف خصوصی که تابعی از تولید جامعه است معمولاً با تأخیر زمانی بر حسب تغییرات تولید تغییر می یابد بدین جهت سطح پایین مصرف جامعه را در حال حاضر باید به عنوان یکی از نقاط قوت شرایط بعد از جنگ تلقی کرده و از آن باید در جهت استفاده هر چه بیشتر منابع در فعالیتهای

## خلاصه بودجه عمومی دولت

(میلیارد ریال)

| رشد متوسط<br>سالانه (درصد) | ۱۳۷۲     | ۱۳۷۱     | ۱۳۷۰     | ۱۳۶۹     | ۱۳۶۸    | ۱۳۶۷<br>(عملکرد) |
|----------------------------|----------|----------|----------|----------|---------|------------------|
| ۲۵/۱                       | ۶۴۴۲/۱   | ۵۵۹۵/۴   | ۴۷۲۱/۷   | ۴۰۰۸/۸   | ۳۱۵۰/۰  | ۲۰۹۸/۷           |
| ۲۶/۴                       | ۳۱۸۰/۰   | ۲۵۹۲/۰   | ۲۰۹۷/۰   | ۱۶۸۸/۰   | ۱۱۵۰/۰  | ۹۸۶/۲            |
| (۲۴/۲)                     | (۱۹۰۸/۰) | (۱۵۵۵/۰) | (۱۲۵۸/۰) | (۱۰۱۳/۰) | (۷۰۶/۰) | (۶۴۵/۰)          |
| (۳۰/۲)                     | (۱۳۷۷/۰) | (۱۰۳۷/۰) | (۸۳۱/۰)  | (۶۵۰/۰)  | (۴۴۴/۰) | (۳۴۰/۳)          |
| ۱۵/۰                       | ۱۳۴۴/۰   | ۱۳۴۵/۴   | ۱۱۲۲/۲   | ۱۰۱۱/۳   | ۹۰۰/۰   | ۶۶۷/۹            |
| ۳۴/۰                       | ۱۹۱۸/۱   | ۱۶۵۸/۰   | ۱۴۸۲/۴   | ۱۳۰۹/۵   | ۱۱۰۰/۰  | ۴۴۴/۶            |
| ۹/۰                        | ۶۵۳۴/۶   | ۶۳۳۶/۵   | ۶۰۶۵/۶   | ۵۵۸۰/۸   | ۴۴۴۸/۰  | ۴۲۴۵/۴           |
| ۶/۶                        | ۴۷۰۴/۲   | ۴۴۸۲/۱   | ۴۲۳۶/۷   | ۳۹۲۳/۵   | ۳۴۳۰/۰  | ۳۴۱۹/۹           |
| ۱۷/۳                       | ۱۸۳۰/۴   | ۱۸۵۴/۴   | ۱۸۲۸/۹   | ۱۶۵۷/۳   | ۱۰۱۸/۰  | ۸۲۵/۵            |
| ۴۶/۷                       | ۹۲/۵     | ۷۴۱/۱    | ۱۳۲۳/۹   | ۱۵۷۲/۰   | ۱۲۹۸/۰  | ۲۱۴۶/۷           |
| ۴۶/۷                       | ۹۲/۵     | ۷۴۱/۱    | ۱۳۲۳/۹   | ۱۵۷۲/۰   | ۱۲۹۸/۰  | ۲۱۴۶/۷           |
| ۵/۴                        | ۹۲/۵     | ۱۱۸/۱    | ۱۳۲/۹    | ۱۳۳/۰    | ۸۸/۰    | ۱۲۲/۲            |
|                            |          | ۶۲۳/۰    | ۱۲۱۱/۰   | ۱۳۲۹/۰   | ۱۲۱۰/۰  | ۲۰۲۴/۵           |

## تحول اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی

(هزار نفر)

(۷۲ - ۱۳۶۸)

| اشتغال جدید | ۱۳۷۲   | ۱۳۶۷   | بخش های اقتصادی                       |
|-------------|--------|--------|---------------------------------------|
| ۱۵۸         | ۳۴۱۱   | ۲۳۵۳   | ۱- کشاورزی                            |
| ۱۱۰۶        | ۳۹۰۳   | ۲۷۹۷   | ۲- صنایع و معادن:                     |
| (۳۴۲)       | (۱۸۲۲) | (۱۶۸۰) | صنعت و معدن                           |
| (۴۳)        | (۱۴۰)  | (۹۷)   | آب و برق و گاز                        |
| (۷۲۱)       | (۱۹۴۱) | (۱۲۲۰) | ساختمان                               |
| ۷۰۵         | ۶۱۰۵   | ۵۴۰۰   | ۳- خدمات:                             |
| (۱۸۶)       | (۱۰۷۷) | (۸۹۱)  | خدمات عمده فروشی و خرده               |
| (۱۱۰)       | (۷۸۱)  | (۶۷۱)  | فروشی رستوران و هتلداری               |
| (۳۹)        | (۱۴۲)  | (۱۰۳)  | خدمات حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری |
| (۳۷۰)       | (۴۱۰۵) | (۳۷۳۵) | خدمات مالی، بیمه، ملکی و حقوقی        |
|             |        |        | خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی           |
| ۱۹۶۹        | ۱۳۱۹   | ۱۱۴۵۰  | جمع کل                                |

به قیمت ثابت افزایش می یابد. رشد سالانه هزینه های مصرفی دولت به قیمت ثابت به طور متوسط معادل ۳/۸ درصد پیش بینی می شود.

## ۲- بودجه و وضع مالی دولت

### ● هدف های کلی

- منطقی نمودن نظام تسکیناتی دولت در چارچوب وظایف قانونی و منابع مالی.
- برقراری تعادل بین دریاخته ها و پرداختهای بودجه عمومی دولت.
- افزایش نرخ بهره برداری از ظرفیتهای و امکانات موجود در آمد دولت.
- جلب مشارکت مردم به تامین قسمتی از هزینه ارائه خدمات عمومی.
- تکمیل و اجرای نظام مالیاتی در جهت توزیع منطقی تر درآمد و ثروت.

- کاهش بار هزینه های دولتی از طریق انتقال پاره ای از وظایف موجود به بخش غیر دولتی.

### ● خط مشی های اساسی

- کاهش سطح پوشش خدمات دولتی آموزش (عمومی، فنی و حرفه ای و عالی) از طریق انتقال قسمتی از آن به بخش غیر دولتی و استفاده از منابع صرفه جویی شده جهت ارتقاء کیفیت خدمات ارائه

تولیدی سود جست. البته توزیع مصرف در سطوح مختلف گروه های درآمدی جامعه متفاوت بوده و با ابزارهای لازم باید توزیع مصرف جامعه را عادلانه ساخت. بنابراین حرکت کلی در پنج سال برنامه اول در جهت کاهش سهم هزینه مصرف خصوصی در تولید ناخالص داخلی خواهد بود. با توجه به سیاست فوق هزینه مصرف خصوصی در طی پنج سال برنامه اول با رشد سالانه ای معادل ۵/۷ درصد از ۱۳۲۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۴۸۵ میلیارد ریال (به قیمت ثابت ۱۳۶۷) در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد داشت که باعث کاهش سهم هزینه مصرف خصوصی در تولید ناخالص داخلی از ۵۹ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۵۳ درصد در سال ۱۳۷۲ می شود.

در سالهای اخیر به علت افزایش کسری بودجه دولت و در نتیجه تاثیر آن بر افزایش قیمت ها، هزینه مصرف دولتی که به قیمت ثابت روند فزاینده ای داشته به قیمت ثابت روند نزولی پیدا کرده است. این فرایند بدین معنی است که تورم ایجاد شده توسط کسری بودجه دولت، خود باعث کاهش هزینه های واقعی دولت شده است. با توجه به سیاست برنامه در مورد کاهش کسری بودجه دولت در طی پنج سال آینده و در نتیجه کاهش نرخ تورم هزینه های مصرفی دولت

## منابع و مصارف ارزی کشور طی برنامه اول (۱۳۶۸-۷۲)

- نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی از ۴/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت.

- نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از ۹/۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۰/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش می‌یابد.

- بخشهای اجتماعی (آموزش، بهداشت و تامین اجتماعی) در برنامه اول از اولویت خاصی برخوردار بوده و سهم هزینه‌های آنها در کل هزینه‌های دولت از ۳۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۴۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

- نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری از ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۶۷/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

- نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

- از کاهش هزینه‌های عمرانی به قیمت‌های ثابت جلوگیری شده و هزینه‌های مزبور در سال ۱۳۷۲ در سطحی معادل ۸۶ درصد بیشتر از سال ۱۳۶۷ قرار می‌گیرد.

- فصول منابع آب و کشاورزی، معدن، نفت و گاز از اولویت برخوردار بوده و سهم آنها در کل سرمایه گذاری از ۱۷/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

- سهم اعتبارات فرهنگی و هنری در کل بودجه دولت از ۱/۴ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

### ۳- حجم نقدینگی و نرخ تورم ● نقدینگی

همچنان که در بحث بودجه دولت گذشت در اثر اعمال سیاستهای بودجه‌ای، کسری بودجه دولت که در سالهای اخیر شدت افزایش یافته است از ۲۱۴۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به حدود ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش خواهد یافت. طبیعی است که در اثر اتخاذ این سیاست تبعات سوء اقتصادی وجود کسری بودجه که بشدت در سالهای گذشته اقتصاد را تحت تاثیر قرار داده است بتدریج در سالهای آتی کاهش می‌یابد.

حجم نقدینگی که عمدتاً در اثر افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در پنج سال گذشته سالانه به طور متوسط ۱۵/۳ درصد رشد داشته در طی برنامه پنجساله سالانه به طور متوسط به ۸/۲ درصد کاهش خواهد یافت به طوری که از ۲۳/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲ تنزل می‌کند.

حجم نقدینگی در طی سالهای برنامه بر اساس عوامل تعیین کننده عرضه پول به شرح ذیل برآورد شده است:

#### خالص داراییهای خارجی

در طی سالهای برنامه خالص داراییهای خارجی معادل سال ۱۳۶۷ در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال ثابت فرض شده است.

#### خالص بدهی بخش دولتی

استقراض دولت از سیستم بانکی در طول سالهای برنامه به عنوان تغییرات خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی منظور گردیده است. در مورد استقراض شرکتهای دولتی چنین فرض شده است که افزایش سالانه بدهی آنها برابر با افزایش سالانه مجموع سپرده‌های بخش دولتی نزد سیستم بانکی باشد.

| مصارف                             |             | منابع   |             |
|-----------------------------------|-------------|---|-------------|
| شرح                               | میلیون دلار | شرح   | میلیون دلار |
| واردات کالا                       | ۱۱۴۳۳۲      | صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی                         | ۸۳۰۹۶       |
| کشاورزی و منابع طبیعی             | ۸۶۰۰        | صادرات نفت خام  | ۷۲۶۱۵       |
| منابع آب                          | ۴۱۶۰        | صادرات گاز  | ۱۶۴۰        |
| صنایع                             | ۳۳۷۲۸       | صادرات نفت جهت واردات فرآورده                               | ۶۳۷۶        |
| معادن                             | ۲۹۰۰        | صادرات گاز مایع، نفتا، میعانات گازی و نفت کوره              | ۲۴۴۵        |
| نفت و فرآورده‌های نفتی            | ۱۴۷۱۶       | صادرات کالاهای غیرنفتی                                      | ۱۷۸۳۶       |
| گاز                               | ۱۸۰۰        | صادرات کالاهای کشاورزی                                      | ۳۰۲۴        |
| مسکن                              | ۳۵۰         | صادرات کالاهای صنعتی  | ۹۰۰۰        |
| برق                               | ۶۲۴۰        | صادرات فرش  | ۴۴۰۰        |
| راه و ترابری                      | ۴۲۰۰        | صادرات محصولات معدنی  | ۱۳۰۰        |
| عمران شهرها                       | ۲۵۰         | صادرات مواد دارویی  | ۱۱۲         |
| بست و مخبرات                      | ۲۴۰۰        | صادرات خدمات  | ۲۸۰۰        |
| بازرگانی                          | ۱۹۵۰        | درآمد ارزی حاصل از جهانگردی                                 | ۲۵۰         |
| بازرگانی                          | ۱۹۵۴۰       | سایر  | ۲۳۵۰        |
| دفاعی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی | ۹۴۹۰        | دریافتهای ارزی حساب سرمایه                                  | ۲۶۰۰        |
| آموزش فنی و حرفه‌ای               | ۱۲۰         | منابع ارزی موضوع بند (۱۴) تبصره قانون بودجه سال ۱۳۶۸ (خالص) | ۴۰۰         |
| آموزش عالی                        | ۶۰۰         | منابع ارزی موضوع بند (د) تبصره ۲۹ قانون برنامه اول          | ۷۵۰۰        |
| تحقیقات                           | ۲۰۶         | منابع ارزی موضوع بند (ز) تبصره ۲۹ قانون برنامه اول          | ۳۰۰۰        |
| فرهنگ و هنر                       | ۲۱۲۹        | منابع ارزی موضوع بند (هـ) تبصره ۲۹ قانون برنامه اول         | ۱۵۰۰        |
| بهداشت و درمان                    | ۱۰۰         | سایر دریافتهای ارزی   | ۲۰۰۰        |
| تامین اجتماعی و بهزیستی           | ۳۵۰         |   |             |
| اداره روابط خارجی                 | ۵۷          |   |             |
| تربیت بدنی                        | ۷۴۰         |   |             |
| اطلاعات و ارتباطات جمعی           | ۲۰          |   |             |
| هواشناسی                          | ۳۰          |   |             |
| جهانگردی                          | ۵           |   |             |
| حفاظت محیط زیست                   | ۴۰۰         |   |             |
| بازسازی                           | ۴۵۰۰        |   |             |
| واردات خدمات                      | ۹۰۰         |   |             |
| پرداختهای ارزی حساب سرمایه        | ۱۰۰۰        |   |             |
| دراختیار رئیس جمهور               | ۱۲۰۷۳۲      | جمع مصارف   | ۱۲۰۷۳۲      |

رشد هزینه‌های جاری و عمرانی طی برنامه اول به طور متوسط سالانه به ترتیب ۶/۶ و ۱۷/۳ درصد می‌باشد. به علت رشد سریعتر هزینه‌های عمرانی سهم آن در کل هزینه‌های دولت از ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت.

درآمدهای دولت طی برنامه اول با رشد متوسط سالانه ۲۵/۱ درصد از ۲۰۹۸/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۶۴۴۲/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت. از ۲۳۹۱۸ میلیارد ریال درآمدهای دولت در برنامه اول ۴۴/۸ درصد (۱۰۷۰۷ میلیارد ریال) را درآمدهای مالیاتی، ۲۴ درصد (۵۷۴۳ میلیارد ریال) را درآمد نفت و ۳۱/۲ درصد (۷۴۶۸ میلیارد ریال) را سایر درآمدهای دولت تشکیل می‌دهد.

کسری بودجه دولت از حدود ۲۱۴۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته و سهم آن در کل بودجه از ۵۱ درصد به ۱/۴ درصد تقلیل می‌یابد.

با اعمال خط مشی‌های مذکور در برنامه، نتایج زیر حاصل خواهد گردید.

- نسبت کل هزینه‌ها به تولید ناخالص داخلی از ۱۸/۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش می‌یابد.

- نسبت کل درآمدها به تولید ناخالص داخلی از ۹ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش می‌یابد.

شده به دانش آموزان و دانشجویان تحت پوشش.   
○ تعدیل هزینه‌های جاری مربوط به کمک زیان شرکتها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت.   
○ تعدیل هزینه جاری دستگاههایی که امکان کسب درآمد دارند.

○ کاهش تدریجی تعداد پرسنل مشاغل پشتیبانی بخش دولتی و استفاده از مبالغ صرفه جویی شده جهت افزایش حقوق و مزایای کادر تخصصی.   
○ استفاده مطلوب از امکانات تولید و صدور نفت خام کشور در جهت افزایش درآمدهای ریالی و ارزی ناشی از آن و همچنین انجام سرمایه گذاریهای لازم جهت افزایش ظرفیتهای موجود در این زمینه.

○ ارتقاء سطح پوشش مالیاتی در خصوص مالیاتهای بر درآمد (بویژه مالیات بر مشاغل، مالیات بر مستغلات و مالیات بر ثروت) از طریق بهبود روشهای جمع آوری مالیات و تدوین قوانین و مقررات لازم.

○ تجدید نظر در نرخ خدمات و کالاهای دولتی با ارتقاء کیفیت آنها در جهت افزایش نسبت درآمدهای حاصل از آن در تولید ناخالص داخلی.

#### ● هدفهای کمی (بودجه دولت)

○ هزینه‌های دولت طی برنامه اول معادل ۲۸۹۶۵/۵ میلیارد ریال برآورد می‌گردد. از این مبلغ ۲۰۷۷۶/۵ میلیارد ریال را هزینه‌های جاری و ۸۱۸۹ میلیارد ریال را هزینه‌های عمرانی تشکیل می‌دهد.

با فرض فوق خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از ۱۱۶۷۶/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۴۸۹/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت که نشان دهنده رشد سالانه به طور متوسط معادل ۸/۴ درصد می باشد.

**وامها و تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی**  
این متغیر بر اساس جمع سرمایه گذاری برآورد شده در برنامه برای بخش غیر دولتی مورد محاسبه قرار گرفته. به طوری که حدود ۴۷/۸ درصد از آن باید از محل منابع مالی سیستم بانکی تامین گردد. با توجه به نتایج محاسبات انجام شده، حجم نقدینگی به عنوان تابعی از تغییرات خالص داراییهای خارجی، خالص بدهی بخش دولتی و بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی محاسبه گردیده است. در نتیجه رشد حجم نقدینگی برای سالهای برنامه به شرح زیر برآورد می شود:

| سال        | رشد حجم نقدینگی |
|------------|-----------------|
| ۱۳۶۸       | ۱۰/۸            |
| ۱۳۶۹       | ۱۱/۷            |
| ۱۳۷۰       | ۹/۲             |
| ۱۳۷۱       | ۵/۹             |
| ۱۳۷۲       | ۳/۵             |
| متوسط دوره | ۸/۲             |

#### ● نرخ تورم

با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی مورد پیش بینی در برنامه، رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از حدود ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش خواهد یافت. روند مذکور نشان دهنده مهار تدریجی نرخ تورم نسبت به سالهای گذشته است.

#### ۴- تجارت خارجی

##### ● صادرات

میزان صدور روزانه نفت در برنامه پنجساله از ۱۳۸۲ هزار بشکه در سال ۱۳۶۷ به ۲۲۹۳ هزار بشکه در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت. قیمت نفت با توجه به پیش بینی های به عمل آمده در صورت تحقق غروض پیش بینی در پنج سال آینده از ۱۴/۲ دلار در سال ۱۳۶۷ در ازای هر بشکه به ۲۱/۴ دلار در سال ۱۳۷۲ افزایش می یابد. بنابراین در آمد ارزی حاصل از صادرات نفت از حدود ۷۳۲۶ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۹۰۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ بالغ خواهد شد. کل در آمد ارزی حاصل از صدور نفت در طی برنامه با احتساب ۶۳۷۶ میلیون دلار صادرات نفت جهت واردات فرآورده های نفتی و همچنین ۲۴۶۵ میلیون دلار جهت صادرات گاز مایع، نفتا، میعانات گازی و نفت کوره و ۲ میلیارد دلار در آمد حاصل از پیش فروش نفت خام معادل ۸۱۴۵۶ میلیون دلار برآورد می شود.

همچنین در آمدی معادل ۱۶۴۰ میلیون دلار از محل صادرات گاز طی دوره برنامه اول پیش بینی شده است که ناشی از صدور ۸/۲ میلیون متر مکعب در روز در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ و ۱۶/۴ میلیون متر مکعب در روز در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ می باشد.

از مسائل مهمی که در طی برنامه باید بدان توجه خاصی اعمال گردد مسئله افزایش و توسعه صادرات غیر نفتی است زیرا اگر ایجاد تنوع در منابع ارزی کشور در سالهای آتی اتفاق نیفتد آسیب پذیری اقتصاد از ارز نفت همچنان حفظ خواهد شد. بنابر

این ضروری است که برای ایجاد هر چه بیشتر تعادل در واردات و صادرات غیر نفتی، قوانین و سیاستهای بخصوص مسئله نرخ برابری ارز به گونه ای تنظیم شوند تا امکان حداکثر صادرات غیر نفتی در بخشهایی چون کشاورزی و فرش، معدن و صنایع فراهم آید.

**حجم صادرات غیر نفتی طی برنامه پنجساله معادل ۱۷۸۳۶ میلیون دلار پیش بینی می شود.** ارزش اقلام صادراتی بخشهای مذکور در جدول منابع و مصارف ارزی کشور نشان داده شده است.

**حجم دریافتیهای ارزی کل کشور براساس پیش بینی های مربوط به ارز صادرات نفت و کالاهای غیر نفتی در طی برنامه پنجساله و همچنین با در نظر گرفتن سایر دریافتیهای ارزی به ۱۲۰۷۳۲ میلیون دلار بالغ خواهد گردید.**

#### واردات

**حجم کل واردات کالا در سال ۱۳۶۷ که حدوداً معادل ۱۲ میلیارد دلار برآورد می گردد.** در طی پنجساله برنامه اول روند افزایشی داشته به طوری که طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ مجموعاً به ۱۱۴/۳ میلیارد دلار بالغ خواهد گشت، به علت ایجاد تنگناهای ارزی و لزوم تامین نیازهای اساسی جامعه سهم واردات مصرفی در کل واردات در سالهای اخیر افزایش یافته است. در طی سالهای برنامه به علت رشد بخشهایی چون کشاورزی و صنایع مصرفی که تامین کننده بخشی از نیازهای مصرفی جامعه می باشند سهم واردات مصرفی در کل واردات کالا کاهش و سهم واردات سرمایه ای و واسطه ای به علت رشد استفاده از ظرفیتهای موجود و همچنین انجام سرمایه گذاریهای جدید افزایش خواهد یافت. ترکیب مصارف ارزی در جدول مربوط به منابع و مصارف ارزی کشور نشان داده شده است. نکته مهم آنکه با توجه به لزوم تقویت بنیه دفاعی بعد از جنگ تحمیلی در چارچوب سیاست خارجی کشور هزینه ازرزی دفاعی، انتظامی و اطلاعاتی در طی برنامه پنجساله معادل ۹۴۹۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است. طبیعی است که وجود یک تناسب منطقی بین هزینه های ارزی بخش دفاع و سایر هزینه ها به خصوص ارز تخصیص یافته به بخشهای تولیدی اقتصاد ضروری است و تداوم تقویت دفاع کشور بدون داشتن یک اقتصاد با بنیه های تولید داخلی رشد یافته در سالهای آتی امکان پذیر نخواهد بود. بدین ترتیب با در نظر گرفتن سایر مصارف ارزی جمع مصرف ارزی طی برنامه به ۱۲۰۷۳۲ میلیون دلار بالغ خواهد گردید.

#### ۵. نیروی انسانی و اشتغال

##### هدفهای کیفی

○ تبدیل تدریجی مشاغل کم بازده به مشاغل مولد  
○ کاهش بیکاریهای فصلی و بیکاریهای پنهان.  
○ ایجاد اشتغال مولد و کاهش تورم بی رویه کاربرد بخشهای خدماتی از طریق اتخاذ سیاستهای مناسب مالی، پولی، مالیاتی و تشریک مساعی با بخش خصوصی و حمایت از سرمایه گذاریهای تولیدی اشتغالزا در این بخش.  
○ افزایش بهره وری کار از طریق بهبود شیوه های مدیریت و به کارگیری افراد در پستهای اجرایی مرتبط.

○ تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مناطق و نواحی محروم کشور از طریق اتخاذ سیاستهای تشویقی و ایجاد انگیزه های مادی و معنوی لازم.

○ کاربرد و بهره گیری از شیوه های متناسب تکنولوژی. در تولید و صنایع پایه و استراتژیک کاربرد تکنولوژی پیشرفته و در سایر موارد تکنولوژی کاربر.

○ توسعه و حمایت از مشاغل مولد با تاکید بر خود اشتغالی و تولیدات خانگی

##### هدفهای کمی

○ ایجاد سالانه حدود ۳۹۴ هزار شغل در طول برنامه.

○ تقلیل نرخ بیکاری از ۱۵/۹ درصد فعلی به ۱۳/۴ درصد در انتهای برنامه.

○ کاهش نسبت اشتغال فعالیتها خدماتی از ۴۷/۲ فعلی به ۴۵/۵ درصد در آخرین سال برنامه

○ افزایش بهره وری سرانه کار به میزان ۵/۲ درصد در سال.

○ افزایش نسبت کارکنان علمی، فنی و تخصصی از ۹/۶ درصد فعلی به حدود ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۲

##### سیاستها و خط مشی ها

○ استفاده متناسب از تکنولوژی و کارافزارها به گونه ای که هم متضمن ارتقای سطح اقتصادی و هم حداکثر بهره گیری از نیروی کار جامعه باشد.

○ حمایت ویژه از صنایع و کارگاههای کوچک اشتغالزا در جهت افزایش اشتغال

○ در راستای ایجاد اشتغال مولد از ورود آن گروه از کالاهای وارداتی که امکان ساخت آنها در داخل کشور امکان پذیر می باشد، بدون به وجود آوردن بحران ناشی از کمبود جلوگیری به عمل می آید.

○ طرحها و پروژه های اشتغالزا در بخشهای آب و کشاورزی مخصوصاً عملیات مربوط به شبکه های آبیاری و زهکشی اراضی مورد توجه قرار گرفته و با اولویت بیشتر در برنامه منظور می گردد.

○ اتخاذ روشها و سیاستهای تشویقی و انگیزشی برای جذب متخصصین در نواحی محروم.

○ اتخاذ سیاستهای مالی، پولی، مالیاتی و تنظیم مقرراتی که در چارچوب هدفهای توسعه کشور زمینه کاربرد منابع سرمایه ای بخش خصوصی را در امور تولیدی تسهیل کند.

○ آموزش مدیران و به کارگیری افراد واجد تجربه و صلاحیت علمی در پستهای کلیدی.

○ هدایت سرمایه های حاصل از کار ایرانیان در خارج از کشور به امور تولیدی و اتخاذ سیاستهای حمایتی از سرمایه گذاریهای ایرانیان مقیم خارج در امور تولیدی کشور.

○ حذف و جرح و تعدیل کلیه مقررات و ضوابطی که باعث انقباض بازار کار و عدم ایجاد اشتغال شده اند.

○ گسترش همکاریهای فنی و مبادله نیروی کار به ویژه با کشورهای دوست و همجوار.

○ متناسب کردن مزد و حقوق و دستمزدها با بهره وری کار و تلاش برای متعادل کردن درآمدها در بین بخشهای مختلف اقتصادی کشور.

○ گسترش مطالعات در زمینه دستیابی به شیوه های کارآمد تولیدی و گسترش آموزشهای تخصصی فنی و حرفه ای حین خدمت در هر سه بخش خصوصی، تعاونی و دولتی.

○ انجام هر ساله طرح جاری جمعیت در مقاطع بین دو سرشماری عمومی کشور و آمارگیری نمونه ای سالانه نیروی انسانی و اشتغال به منظور اطلاع دقیق برچند و چون تحولات جمعیت و بازار کار در کشور